



کاری از گروه اقتصاد استان سیستان و بلوچستان

پایه دهم انسانی

درس اقتصاد

فصل اول: کسب و کار

درس سوم: اصول انتخاب درست

مهر ۱۴۰۰

تهیه کننده: مظفری

نقشه راه

انسان در هر لحظه از زندگی خود هزینه های متعددی دارد که باید از میان آنها یکی را انتخاب کند.
در نتیجه در تصمیم گیری های منطقی، افراد منافع و هزینه های مختلف را با هم مقایسه می کنند و بهترین را انتخاب می کنند.

* هزینه ها و منافع انتخاب های خودمان را تشخیص داده و باهم مقایسه کنیم.

* با مفاهیم **هزینه های فرصت، منابع کمیاب، هزینه های هدر رفته، قید بودجه**

آشنا شده و در انتخاب های خود آنها را بکار بگیریم.

در پایان این درس میتوانیم

اقتصاد و مسئله انتخاب

هر کسب و کاری چه شخصی باشد و چه در قالب شرکت، با مسئله انتخاب مواجه است.

چه چیزی تولید کنیم؟ **یا** اینکه چقدر از هر چیز تولید کنیم؟

مسئله انتخاب آن قدر مهم است که برخی اقتصاد دانان **علم اقتصاد را علم انتخاب** میدانند.



❖ آنها معتقدند اقتصاد به ما می آموزد که در **شرایط کمیابی منابع**، چگونه **بهترین انتخاب** را انجام دهیم.

❖ انتخاب فقط محدود به مسئله کسب و کار و تولید نیست

❖ هر فرد در زندگی روزمره خودش، بارها و بارها با **مسئله انتخاب اقتصادی** روبه رو میشود.

❖ برای انتخاب درست باید با **مفهوم کمیابی منابع** آشنا شویم

❖ و بدانیم که چگونه میتوان با در نظر گرفتن هزینه ها و منافع هر انتخاب، تصمیم درستی گرفت.



قانون اول : منابع خود را شناسایی کنیم و بدانیم که آنها کمیابند!

قوانین انتخاب درست

برای تولید کالاها و خدمات، باید ابتدا از منابع یا عوامل تولید خود آگاه شویم



۱- منابع طبیعی ← زمینی که تولیدکننده گندم آن را زیر کشت می برد



۲- سرمایه ← سرمایه فیزیکی تراکتوری که روی زمین کار میکند

۳- سرمایه انسانی ← دانش و مهارت نیروی انسانی

۳- نیروی کار ← کشاورزانی که روی زمین کار میکنند

منابع تولید

تولید خدمات هم در اقتصاد نیازمند عوامل تولید است،



منابع کمیاب تولید، اولین امکانات ما برای تولید کالاها و خدمات هستند و می توان آنها را عوامل تولید نیز دانست

نیروی کار و سرمایه در یک شرکت تدریس خصوصی چیست؟

تولید خدمات هم مانند تولید کالا در اقتصاد نیازمند عوامل تولید است.

عوامل تولید در یک شرکت تدریس خصوصی:

نیروی انسانی ← معلمان و کارمندان آن شرکت

سرمایه فیزیکی ← شامل تجهیزات اداری (مثلاً میز یا تخته و یا ابزارهای آموزشی است)

سرمایه انسانی ← مهارت و دانش تدریس معلمان

منابع تولید در حالت کلی، امکاناتی است که شما برای ارائه محصول یا خدمت خود در اختیار دارید

فرض کنید که به عنوان یک خریدار می‌خواهید برای دیدن یک فیلم سینمایی، بلیت خریداری کنید

در ضمن برای منزل هم کمی خرید کنید. چه منبعی در اختیار دارید؟

پول داخل جیبتان، مهمترین منبعی است که در اختیار دارید و باید آن را **مدیریت** کنید. این منبع هر چند یک منبع تولیدی نیست، اما **امکانی** است که در اختیار شما قرار دارد.



منابعی که در اختیار ما قرار دارد، کمیاب است.

در تولید هر کالایی تولید کننده با در نظر گرفتن دو اصل اساسی زیر دست به تولید می‌زند:

اصل اول: منابعی که در اختیار دارد **بی نهایت و بی پایان نیست** بلکه برعکس، کاملاً محدود است.

اصل دوم: در آن واحد نمیتوان از یک چیز دو استفاده متفاوت کرد؛ یعنی هر چیزی دارای محدودیت در استفاده است

نکته

همه عوامل یا منابع تولید در اقتصاد **کمیاب** اند

پس **منابع خلق** نمیشوند

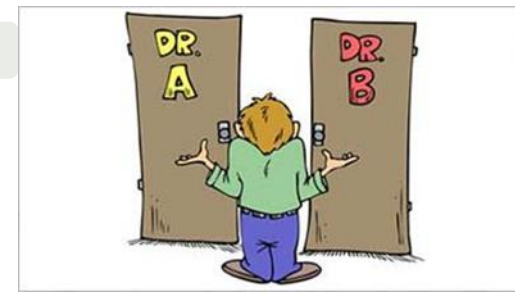
هر چه منابع بیشتر

تولید کالاها و خدمات بیشتر

اما با منابع معین و محدود

در هر نقطه از زمان، هر شخص یا شرکت و یا هر کشوری **مقدار معینی** از نیروی کار، زمین قابل بهره برداری، سرمایه انسانی و فیزیکی دارد

قوانین انتخاب درست

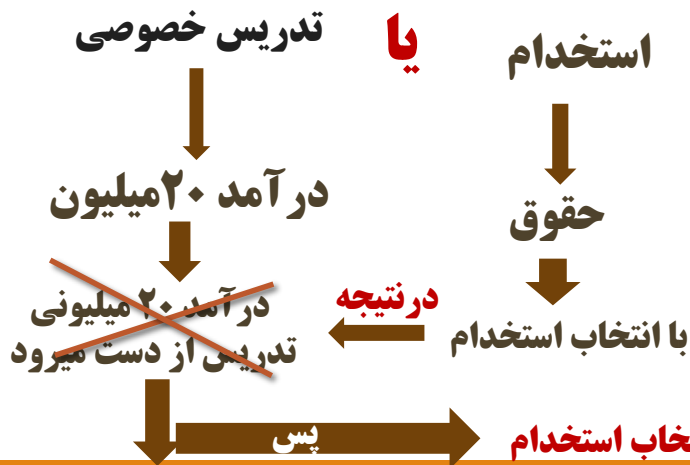


قانون دوم: هزینه فرصت هر انتخاب را محاسبه کنید

محدودیت منابع، مفهوم هزینه فرصت را به همراه دارد.

هزینه فرصت یک انتخاب، ارزش بهترین گزینه بعدی است که شما آن را هنگام انتخاب از دست داده اید

یک کشاورز میخواهد در زمین خود گندم بکارد و از کشت جو صرف نظر میکند (یعنی کشاورز ما اگر نمیخواست گندم بکارد گزینه بعدی و انتخاب او برای کاشت به جای گندم جو خواهد بود) حالا که او تصمیم گرفته است در زمینش گندم بکارد، در واقع از **منافع** کاشت جو صرف نظر کرده است و این، **هزینه** کاشت گندم است



فرض کنید قرار است در یک اداره استخدام شوید در حالی که می توانید کسب و کار شخصی، مثلاً تدریس خصوصی، با درآمد ماهانه بیست میلیون تومان داشته باشید. اگر استخدام را انتخاب کنید، **هزینه فرصت این انتخاب شما، معادل بیست میلیون تومان در هر ماه است که از دست داده اید.**

بیست میلیون تومان درآمد تدریسی است که از دست رفته

سینما رفتن برای شما چه هزینه هایی دارد؟ ممکن است بگویید که هزینه آن پولی است که برای بلیت پرداخت می شود. اگر قیمت بلیت ده هزار تومان باشد، این فقط هزینه آشکار رفتن به سینماست. اما سینما رفتن هزینه پنهان هم دارد

علاوه بر پرداخت پول (به عنوان منابع) زمانی است که می توانستید برای کارهای دیگری صرف کنید.

مثلا بسکتبال بازی کنید یا رفتن به بازار و یا مطالعه را انتخاب کنید (حال فرض کنید بهترین گزینه بعدی بسکتبال بازی کردن است)

پس هزینه فرصت سینما رفتن ← از دست دادن بازی بسکتبال است

با توجه به مثالهای بالا چرا مجبوریم بین استخدام شدن و کسب و کار شخصی داشتن و یا بین سینما رفتن و بسکتبال بازی کردن و یا بین کاشت گندم و جو، یکی را انتخاب کنیم.

جواب: چون منابع و امکانات کمیاب است.

یکی از مهم ترین مفاهیم در اقتصاد مفهوم کمیابی است به دلیل وجود کمیابی در امکانات و داشته ها، همیشه باید بین گزینه های انتخاب، **بده - بستان** کرد.

بده - بستان یعنی چیزی را رها می کنید تا چیز دیگری را به دست آورید

هزینه های پنهان = عوامل تولیدی است که در فرآیند تولید دخیل بوده و چون کارفرما مالک آن بوده بابت آن پولی پرداخت نمی کند.

(هزینه پنهان + هزینه آشکار) - درآمد = سود ویژه حسابداری

مجموع هزینه ها

انواع هزینه ها: ۱- هزینه آشکار ۲- هزینه پنهان

علاوه بر انتخاب های شخصی، دانش اقتصاد با انتخاب های اجتماعی نیز مواجه است



اجتماع نیز امکانات، منابع و داشته های کمیابی دارد و با انتخاب و بده – بستن روبه رو است



در هر نقطه از زمان، هر کشور مقدار معینی از نیروکار، زمین قابل بهره ی برداری، سرمایه انسانی و فیزیکی و تعدادی کارآفرین دارد.



کشورها، مانند مردم، با کمیابی منابع روبه رو هستند.



کمیابی منابع هر جامعه را با مبادله مواجه میسازد



اگر منابع بیشتری برای تولید یک کالا و خدمات اختصاص داده شود، منابع کمتری برای تولید کالا و خدمات دیگر باقی می ماند.

برای ساختن دوچرخه بیشتر، کارخانه لاستیک بیشتری به منظور تولید چرخ، فلز بیشتری برای اسکلت دوچرخه، زمین بیشتری برای سالنهای کارخانه لازم است منابعی که در کارخانه دوچرخه سازی استفاده میشود، مورد نیاز تولیدات دیگر مثل رایانه ها و خودروها نیز هستند.

پس تصمیم برای داشتن کالا و خدمات بیشتر به معنای از دست دادن کالاها و خدمات دیگر است

مسأله

با توجه به اطلاعات ارائه شده در جدول زیر نتیجه سود حسابداری یک بنگاه تولیدی با ۸ کارمند و تولید سالیانه ۷۰۰ دستگاه هر یک به ارزش ۹۵۰،۰۰۰ ریال کدام است؟ و در صورتی که تولیدکننده بر روی این کار سرمایه‌گذاری نمی‌کرد می‌توانست تجهیزات خود را به قیمت ۳۰۰،۰۰۰ ریال سالانه اجاره دهد سود ویژه کدام است؟

حقوق متوسط ماهیانه هر فرد معادل	۴۰۰،۰۰۰ ریال
خرید مواد اولیه مورد نیاز سالیانه به ارزش	۷،۲۵۰،۰۰۰ ریال
هزینه استهلاک سالیانه معادل	۱۳ درصد درآمد سالانه
اجاره ماهیانه معادل	۹،۵۰۰،۰۰۰ ریال

برای حل مسأله باید بدانیم:

هزینه آشکار تولید - درآمد = سود حسابداری

(هزینه پنهان + هزینه آشکار) - درآمد = سود ویژه حسابداری یا سود اقتصادی

قیمت هر دستگاه × تعداد دستگاه تولید شده در سال = درآمد سالیانه

$$\text{درآمد سالیانه} = ۷۰۰ \times ۹۵۰ = ۶۶۵,۰۰۰,۰۰۰$$

$$۳۲,۰۰۰,۰۰۰ = ۸ \times ۴۰۰,۰۰۰,۰۰۰ = \text{حقوق ماهیانه هر کارگر} \times \text{تعداد کارگران} = \text{مجموع حقوق ماهیانه کارگران}$$

برای محاسبه مجموع هزینه های سالیانه ابتدا باید هزینه ماهیانه را به هزینه های سالیانه تبدیل کنیم

$$\text{ریال} = ۳۸۴,۰۰۰,۰۰۰ = ۳۲,۰۰۰,۰۰۰ \times ۱۲ = \text{ماه} \times \text{مجموعه حقوق ماهیانه کارگران} = \text{مجموع حقوق سالیانه کارگران}$$

$$۱۱۴,۰۰۰,۰۰۰ = ۹۵۰,۰۰۰,۰۰۰ \times ۱۲ = \text{اجاره ماهیانه} \times \text{اجاره (ماه)} = \text{اجاره سالیانه}$$

در این مرحله میتوانیم مجموع هزینه های سالیانه را محاسبه کنیم

$$\begin{aligned} \text{هزینه استهلاک سالیانه} + \text{ارزش اولیه مورد نیاز سالیانه} + \text{حقوق کارگران سالیانه} + \text{اجاره سالیانه} &= \text{مجموع هزینه های سالیانه} \\ \text{ریال} = ۵۹۱,۷۰۰,۰۰۰ &= \frac{۱۳}{۱۰۰} \times (۶۶۵,۰۰۰,۰۰۰) + ۷,۲۵۰,۰۰۰ + ۳۸۴,۰۰۰,۰۰۰ + ۱۱۴,۰۰۰,۰۰۰ = \text{مجموع هزینه های سالیانه} \\ \text{ریال} = ۷۳,۳۰۰,۰۰۰ &= ۶۶۵,۰۰۰,۰۰۰ - ۵۹۱,۷۰۰,۰۰۰ = \text{هزینه های سالیانه} - \text{درآمد سالیانه} = \text{سود یا زیان سالیانه} \end{aligned}$$

عدد به دست آمده مثبت است پس تولید کننده سود کرده

(هزینه پنهان + هزینه آشکار) - درآمد = سود ویژه حسابداری

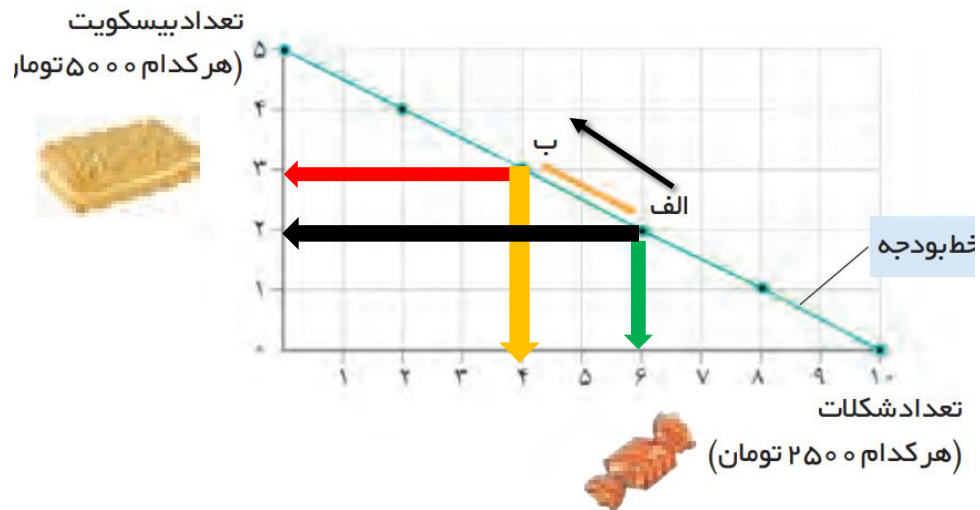
$$\text{سود ویژه حسابداری} = ۷۳,۰۰۰,۰۰۰ - (۵۹۱,۷۰۰,۰۰۰ + ۳۰۰,۰۰۰) = ۶۶۵,۰۰۰,۰۰۰$$

چون عدد بدست آمده مثبت است پس سود کردیم

قانون سوم: قید بودجه خود را ترسیم کنید

وقتی شما مقدار مشخص و محدودی پول برای خرج کردن دارید، در این حالت می‌گوییم شما یک **قید بودجه** دارید.

به دلیل اینکه **بودجه تان محدود** است، شما مجبورید بین گزینه‌های خود بده - بستان کنید.



در نقطه ی الف ۶ شکلات و ۲ بیسکویت میتوان داشت

در نقطه ب ۴ شکلات و ۳ بیسکویت میتوان داشت

اگر از نقطه ی الف به نقطه ی ب حرکت کنیم

از تعداد شکلاتها کم و به تعداد بیسکوتها اضافه می شود

یعنی از ۶ شکلات به ۴ شکلات کاهش یافته و از ۲ بیسکویت به ۳ بیسکویت افزایش می یابد

به دلیل اینکه **بودجه تان محدود** است، شما مجبورید بین گزینه‌های خود بده - بستان کنید.

قانون چهارم: هزینه های هدر رفته را فراموش کنید

هزینه های هدر رفته چیست ← هزینه هایی را که اکنون دیگر غیر قابل اجتناب اند و قابل برگشت نیستند

این هزینه ها نباید تأثیری در انتخاب و تصمیم شما داشته باشد

مفهوم هزینه های دررفته را می توانید پولی تصور کنید که به یک چاه عمیق افتاده است و دیگر قابل دسترس نیست

تنها هزینه ای که بر تصمیم گیریتان مؤثر است چیست؟

هزینه هایی است که در زمان تصمیم گیری شما به وجود می آیند.

برای اینکه یک تصمیم خوب بگیرید چه باید کرد؟

تشخیص تفاوت هزینه هایی که بر تصمیم شما تأثیر گذارند، بسیار مهم اند

هزینه های هدر رفته مهم نیستند، چون دیگر رفته اند و قابل برگشت نیستند.

قانون پنجم: بین هزینه ها و منافع خود، مقایسه کنید



برای اینکه تصمیم گیری منطقی باشد باید تمام **منافع** را با تمام **هزینه ها** مقایسه کنید و در نهایت در گزینه ای که شما انتخاب کرده اید، **منافع بیشتر از هزینه ها** بوده است

توجه به چند نکته:

* همیشه مقایسه هزینه ها و منافع بر اساس اطلاعاتی که از آنها داریم، انجام می گیرد .

* به عنوان یک کار آفرین، مقایسه میان منافع و هزینه های کسب و کار، از مهمترین مراحل راه اندازی یا استمراریک کسب و کار است

* **مقایسه منافع و هزینه ها** بخشی از **تصمیم گیری منطقی** است. اما بهترین رویکرد به **نوع تصمیم شما** بستگی دارد .

۱- اولین دسته به یک انتخاب از میان گزینه های مختلف می پردازد (مطالعه کنیم یا به گردش برویم)

۲- دسته دیگر به انتخاب چه مقدار از هر چیز اشاره می کند (میزان مطالعه یا مدت زمان گردش)

دو نوع گسترده از انواع تصمیمات وجود دارد

شرکت ها هم مجبور هستند تا درباره چیزهایی مثل اینکه چقدر تولید کنند یا چه تعداد نیروی کار استخدام کنند، تصمیم گیری کنند .

نتیجه:

در بر آورد و مقایسه میان هزینه ها و منافع، اینکه چه چیزی را هزینه و چه چیزی را منفعت به حساب بیاوریم وابسته به **موقعیتها و ارزش های فرهنگی و اجتماعی** ما است؛ مثلاً ممکن است آلودگیهای زیست محیطی یک کارخانه تولید مواد شیمیایی، برای صاحب آن کارخانه به عنوان هزینه محسوب نشود، اما برای ساکنان آن منطقه هزینه محسوب میشود

چرا برخی مردم تصمیمات غیر منطقی می گیرند؟ چون گرفتار امیال و هوس های خود شده اند

پنج اشتباه رایج در تصمیم گیری:

اثرگذاری حقه های فروش بر تصمیم گیری ها: ← وقتی فقط به دلیل اینکه حراج یا فروش ویژه اعلام شده خرید میکنیم



توجه به هزینه های هدر رفته: ← وقتی غذایی را که سفارش داده شده را دوست نداریم؛ اما به خاطر پولی که داده ایم مجبوریم بخوریم



بی صبری زیاد: ← به جای صبر در تحصیل و یادگیری و بهره مندی از منافع آتی آن، سراغ کارهای کم ارزش آتی می رویم.



اعتماد به نفس بیش از حد یا خودرأی بودن: ← خوشبینی زیاد درباره در آمد آینده و پس انداز کمتر برای نیازهای آتی



چسبیدن به وضعیت فعلی: ← چسبیدن به وضعیت فعلی و پرهیز از بررسی گزینه های جدید با رویکرد منطقی هزینه - فایده تصمیم میگیریم



قلبی که عشق می ورزد همیشه جوان است...

با تشکر از توجه شما عزیزان